

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت هفتم، سوره حمد

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه فرهنگی

شماره ثبت: ۱۳۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

خلاصہ قسمت قبل

در ادامه تفسیر سوره مبارکه حمد رسیدیم به آیه پنجم،
«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». وقتی سوره را با نام مهربان
خدا آغاز کردیم و از او استعانت جستیم تا آن گونه که
شایسته است بتوانیم حمد و سپاس گزاری اش را به جا
بیاوریم و توجه کردیم به اینکه باید همیشه سپاس گزار
خدا باشیم به خاطر آنچه که هم در این دنیا داده و آنچه
که در آینده قرار است بدهد که اصلاً قابل مقایسه با
این دنیا نیست

وقتی توجه کردیم که خدای متعال، پروردگار ما و
پروردگار همه مخلوقات است و همه عالم‌ها را برای ما
خلق کرده تا ما را به آن نقطه نهایی و آن قله بی‌نهایتی
که برای ما در نظر گرفته، برساند و وقتی که متوجه

شدیم که خدا، رب و پرورش دهنده ماست، اگر یک وقت چیزی نداده بر اساس مصلحت است، برای اینکه ما را رشد دهد و برای اینکه آب دیده شویم و به درک آن لذت بی نهایت برسیم، گاهی لازم است برخی چیزها را نداشته باشیم.

همه اینها را عرض کردیم تا به «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» برسیم. حالا این خدایی که «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است، رحمان و رحیم است و ربوبیتش بر مبنای مهربانی است. معدن بی نهایت عشق و مهر و محبت است. اگر ما سپاسگزار خدا باشیم و او را به درستی در جایگاه ربوبیت ببینیم، آن وقت به رحمان و رحیمیت او پی می‌بریم. بعد می‌رسیم به اینجا که می‌فهمیم او «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است یعنی در قیامت همه کاره اوست. آن بی‌نهایتی که می‌خواهد به ما بدهد را در قیامت می‌دهد و مطالبی را عرض کردیم و دیگر تکرار نمی‌کنیم.

جان کلام سوره حمد

تا اینجا سوره حمد مقدمات را چیدیم. از بسم الله شروع کردیم، حمد و سپاس، توجه به ربوبیت خدا، توجه به همه عوالم، توجه به اینکه او بی‌نهایت مهر و محبت و عشق دارد به ما، توجه به اینکه در آینده ما دستمان خالی است، خدا «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است و چشممان همیشه به خدا باشد، به سمت ارباب‌های

دروغین چشم ندوزیم. همه اینها مقدمه است که به جان کلام در سوره حمد برسیم.

جان کلام، بزنگاه مطلب در سوره حمد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» است. بله، این آیه این قدر مهم است که از ائمه اطهار علیهم السلام گزارش داریم گاهی حتی در قرائت سوره حمد نماز واجب به این آیه که می‌رسیدند این آیه را تکرار می‌کردند و اشکالی هم ندارد. الان هم فقها می‌گویند اشکالی ندارد انسان در نماز واجب وقتی به این آیه برسد و آن را تکرار کند، دو بار و سه بار بگوید. گزارش‌گر می‌گوید گاهی می‌دیدم امام صادق چهارصد بار این آیه را در نماز تکرار می‌کرد. ان شاء الله خدا خواندن نماز امام زمان (علیه السلام) در جمکران را قسمت کند. البته همه جا می‌شود این نماز را خواند، ولی در جمکران فضیلتش بیشتر است. در این نماز به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که می‌رسید، صد بار باید بگویید. حالا چرا باید صد بار بگوییم؟ این تکرار برای این است که ما به درک بیشتری برسیم، چون این جمله خیلی مهم است. جان کلام است. اگر این را نفهمیم، سوره حمد دیگر به دردمان نمی‌خورد.

در سوره حمد به اینجا رسیدیم؛ این خدایی که پروردگار ماست و ما باید همیشه سپاسگزار او باشیم و داده‌های او را و آنچه را که در آینده، در روز قیامت

می‌خواهد به ما بدهد و ما را بر سر سفره بی‌نهایتش
بنشاند، ببینیم و باید به سویش حرکت کنیم.

معنای پرستش اختصاصی خدا

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی خدایا! ما تنها بنده تو
هستیم. در ترجمه‌های معمولی که دست شما هست،
معمولاً این آیه این‌طور ترجمه شده: تنها تو را
می‌پرستیم. یعنی برای تو یک مقام والایی قائل هستیم
و در مقابلت تعظیم و کرنش می‌کنیم. در حالی که
پرستش خدا فقط به این معنا نیست که ما خدا را بزرگ
ببینیم، در مقابلش بایستیم و کرنش و تعظیم کنیم. نه،
خدا نیاز به این‌ها ندارد.

اگر خدا می‌گوید: «وَ أَنْ اَعْبُدُونِي» (یس: ۶۱) مرا بپرستید،
به این معنا نیست که در مقابل من فقط کرنش کنید.
این کرنش و تعظیم برای این است که شما را به من
برساند. «مرا بپرستید» یعنی به سوی من بیایید تا به من
برسید، به سوی من بیایید، هم‌رنگ من شوید.

چگونه ما باید به سوی خدا برویم؟ باید طی مسیر
کنیم؟ راه برویم؟ نه، راه رفتن نیاز ندارد. باید در مسیر
صفات خدا حرکت کنیم. به خدا رسیدن یعنی مظهر
صفات خدا شدن. یعنی خدا مهربان است ما هم باید
مهربان شویم.

اگر مہربان شدید، به خدا رسیدید؛ یعنی شما خدا را پرستیدید. یعنی خدا را دیدید، پسندیدید، شانس را درک کردید، تعظیم کردید و... این‌ها همه مقدمه بود برای اینکه به سوی او حرکت کنید و بعد مثل او شوید. اگر مثل خدا شدیم، این می‌شود پرستش خدا. اما اگر صرفاً بایستیم، دولا و راست شویم، در شبانه روز هزار بار رکوع کنیم، اما تلاشی نکنیم، تصمیم نگیریم که مثل خدا شویم، مہربان شویم، امانتدار باشیم، دلسوز باشیم، عادل باشیم، پاک باشیم و با طراوت باشیم، هر چه ہم رکوع کنیم، در واقع ما خدا را پرستش نکرده‌ایم. صرف رکوع و تعظیم، پرستش نیست. پرستش خدا یعنی حرکت به سوی خدا.

معنای «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»

این مطالب را به عنوان مقدمه گفتم برای اینکه بدانیم معنای «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» چیست. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی فقط و فقط باید به سوی تو حرکت کنم، چون جای دیگری، کس دیگری که من به سویش حرکت کنم و مثل تو باشد، وجود ندارد. یک بی‌نهایت بیشتر نیست. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خدا یگانه است. در کل عالم هستی از ازل تا ابد، یکی بیشتر مثل خدا نیست که معدن بی‌نهایت مہربانی باشد، معدن بی‌نهایت همه خوبی‌ها باشد. پس چون یکی بیشتر نیست، فقط باید حرکت من به سوی

تو باشد. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» فقط باید به سوی تو حرکت کنم. این می‌شود تبلور توحید.

توحید یعنی چه؟ یعنی ما خدا را یکی بدانیم، یعنی اینکه برای خدا شریک قائل نباشیم، فکر نکنیم کس دیگری غیر از خدا می‌تواند به ما بی‌نهایت مهربانی، بی‌نهایت قدرت، بی‌نهایت زیبایی و بی‌نهایت حیات بدهد. اگر فکر کردی کس دیگری می‌تواند به تو بدهد، اگر فکر کردی ابرقدرت‌ها می‌توانند مشکلات تو را حل کنند و به تو لذت دهند، این شرک است و این ظلم به خودت است. بله، اگر تو سراب را دیدی و پنداشتی که آب است و به سمت سراب حرکت کردی، وقتی رسیدی، خسته هم می‌شوی، تازه به آب هم نرسیدی، تشنگی‌ات هم بیشتر می‌شود، به خودت ظلم کردی. پس چشم‌هایت را باز کن که سراب را آب نپنداری.

دور است سرِ آب از این بادیه، هشدار!

تا غول بیابان نفریبد به سرابت (دیوان حافظ)

غول بیابان یعنی همین ابرقدرت‌ها. اینها در رسانه‌هایشان، در مجلاتشان، در فضای مجازی یک زندگی متمدن و زیبای پر از آزادی و لذت به تو نشان ندهند، که فکر کنی: بله، اگر من این سبک زندگی و این سبک پوشش و لباس را داشته باشم، یک چنین زندگی مدرن و باکلاسی، می‌تواند من را به آرامش برساند. اگر

این طور فکر کردی و پنداشتی یک چنین زندگی می‌تواند تو را به آرامش برساند و خواسته‌هایت را تأمین کند، همان شرک است. این مخالف «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» است. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی خدایا من فقط دستور تو را اطاعت می‌کنم. «نَعْبُدُ» بیش از آنکه معنای پرستش داشته باشد، معنای اطاعت دارد. «نَعْبُدُ» یعنی چه؟ یعنی ما عبد توایم، فقط عبد تو می‌شویم. ما عبد کسی غیر از تو نمی‌شویم، ما عبد ابرقدرت‌ها نمی‌شویم، ما عبد نفس‌مان نمی‌شویم، ما عبد شیطان نمی‌شویم، ما فقط عبد تو می‌شویم، فقط عبد تو باید باشیم. این‌ها همه معانی است که در «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» هست.

مفهوم اطاعت و بندگی

من باید فقط عبد تو باشم؛ چون اگر بخواهم عبد تو باشم، باید دستورات تو را اطاعت کنم. پس هر چه تو بگویی، چشم اطاعت می‌کنم.

گاهی وقت‌ها یک بار بگویند «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» و در ذهنتان تداعی کنید که فقط باید عبد تو باشم. یک بار دیگر بگویند «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی فقط از تو اطاعت می‌کنم. باز دوباره بگویند «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» فقط دستور تو را اطاعت می‌کنم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» فقط به سوی تو حرکت می‌کنم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» هر چه تو بگویی. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی من از خودم هیچ اختیاری ندارم. هر چه تو بگویی. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی من به هوای نفسم توجه ندارم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»

یعنی من به وسوسه‌های دیگران توجه نمی‌کنم. هر چه تو بگویی، گوش به حرف هیچ‌کس غیر از تو نمی‌دهم. به حرف دایی و خاله و عمو و دختر خاله و... به حرف رسانه‌های غربی و شبکه‌های آن‌چنانی گوش نمی‌دهم، هر چه تو بگویی. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی من گوشم به فرمان توست. چشمم به توست. پایم به سوی تو حرکت می‌کند. دستم به سوی تو دراز است. تمام وجودم می‌شود یک راه همواری برای اطاعت فرامین تو. معنای «نَعْبُدُ» این است. این را در لغت این‌طور معنا کرده‌اند. «نَعْبُدُ» از واژه «عبد» می‌آید. «عبد» را این‌طوری معنا می‌کنند: عبد الطریق، عبد بودن یعنی وجود من یک راه همواری برای اجرای فرامین توست. هر چه تو بگویی. باز نگاه کنید در «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» نباید اما و اگر و ولی و این حرف‌ها باشد. خدایا هر چه تو بگویی، من اما و اگر نمی‌کنم.

داستانی عبرت‌آموز

این داستان را حتماً شنیده‌اید؛ زمانی که برده‌فروشی رواج داشت، می‌گویند خواجه‌ای به بازار برده‌فروشان رفت، برده‌ای بخرد. از برده فروش سؤال کرد: «آیا برده خوب مطیع داری که واقعاً برده و حرف گوش کن باشد؟» گفت: «برده‌های خوبی دارم. خودت برو برانداز کن، هر کدام را خواستی جدا کن، ببر.» این آقا رفت یکی یکی با این برده‌ها صحبت کرد. ازشان می‌پرسید:

«تو اسمت چیه؟»، «کجایی هستی؟»، «در روز چقدر غذا می خوری؟»، «چه لباسی می پوشی؟»، «مسکنی که برای استراحت نیاز داری چقدر باید باشد؟»، «چقدر در روز برای من می توانی کار کنی؟»، «چه چیزهایی بلدی؟» از همه پرسید و هیچ کدام را انتخاب نکرد. آخرش آمد به این برده فروش گفت: «آقا، برده دیگری نداری؟» گفت: «چرا نپسندیدی؟ این ها که کم خوراک و پرکار، برده های خوبی هستند. چرا نپسندیدی؟» گفت: «آقا، این ها هیچ کدام برده نیستند. از شان سؤال کردم، هر کدام برای خودش نظر دارند. این می گوید اسمم این است. آن می گوید این قدر کار می کنم. او تعیین می کند چقدر بخورد، چقدر کار کند. اینکه برده نشد. برده ای که واقعاً مطیع باشد نداشتی». گفت: «یک برده ضعیف و نحیف هم دارم آن پشت. برو ببین، آن به دردت می خورد؟» این خواجه رفت، برده ای را در حال سجده و عبادت دید. گفت: «اسمت چیه؟» گفت: «من اسم ندارم. تو که ارباب منی، هر چه صدایم کنی، همان می شود اسمم.» گفت: «چقدر در روز غذا می خوری؟» گفت: «هر چه تو بگویی، من که از خودم اختیاری ندارم. تو هر چه بدهی، من قبول می کنم. کم بدهی، قانعم. ندهی، حرف نمی زنم. زیاد بدهی، می خورم. به اندازه اش یا بیشتر از او کار می کنم». پرسید: «در روز چقدر کار می کنی؟» گفت: «هر چه تو بگویی، اگر خارج از توانم نباشد، هر

چہ امر کنی، سعی می‌کنم اطاعت کنم». «چہ لباسی می‌پوشی؟» گفت: «هر چه تو بدهی، تو خواجه منی، تو ارباب منی، تو هر چه بپسندی، من هم همان را می‌پوشم.» خواجه گفت: «این بنده خیلی می‌ارزد. این را باید من بخرم ببرم و این واقعاً به درد من می‌خورد.»

ما هم در برابر خدا همین طور هستیم؟ ما می‌گوییم: «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**» خدایا، ما فقط بنده تو هستیم، شاید صد بار هم تکرار کنیم، ولی واقعاً نیستیم. یک جایی خدا می‌گوید: «این حرف را نزن.» می‌گوییم: «خدایا، مگر می‌شود؟ چطور نزنم؟» ببینید، خدا می‌گوید: «این را نپوش.» می‌گوید: «نمی‌شود. اینجا عروسی است. باید این را بپوشم.» خدا می‌گوید: «این غذا را نخور.» می‌گوید: «نه، خدایا، حالا یک بار نمی‌شود؟» ببینید، بنده آن کسی است که از خودش اختیاری نداشته باشد. بگوییم: «خدایا، هر چه تو می‌گویی، در خوراکم، در پوشاکم، در مسکنم، همه ابعاد وجودی‌ام در اختیار توست. هر چه تو بگویی، من همان می‌شوم.» این می‌شود معنای «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**».

پس «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**» در واقع یک جور تصمیم‌گیری است. ما از اول سوره حمد خدا را توصیف می‌کنیم. به «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**» که می‌رسیم، باید تصمیم بگیریم: «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**» که بنده تو باشم. حالا که تو آن قدر خوبی، رب

العالمینی، رحمان الرحیمی، مالک یوم الدینی، پس من باید بنده تو باشم. خدایا بندگی من را بپذیر.

«وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و از تو کمک می‌خواهم که کمک کنی که بنده تو باشم. از تو می‌خواهم که من را به عنوان بنده خودت بپذیری. «الهی! اگر یک بار گویی بنده من، از عرش بگذرد خنده» (مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری).

تمام افتخار یک انسان باید این باشد که خدا بپذیرد. که ما بنده او باشیم. ما نباید سر خدا منت بگذاریم که: «خدایا، حالا ما می‌خواهیم بنده تو باشیم.» یک منتی بر تو داریم. نه، باید منت قبول کنیم. که خدایا، منت بر ما بگذار، ما را قبول کن که بنده تو باشیم. «إِلٰهِي كَفِي بِإِيَّائِي أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا» این فرمایش حضرت امیرالمؤمنین است. خدایا، بالاترین عزت و افتخار برای من این است که تو پروردگار منی «وَ كَفِي بِإِيَّائِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» و بالاترین افتخار برای من این است که عبد تو باشم. لذا ما در تشهد نماز قبل از شهادت به رسالت پیامبر می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ». این مقام عبودیت از مقام رسالت بالاتر است.

سفارش پایانی

پس در «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» بندگی خودمان را اعلام می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که ما را بپذیرد. اگر «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را تکرار هم کنیم، اشکال ندارد. از این به

بعد، شما وقتی در نمازهای مستحبی یا واجب خودتان، اگر از این جمله رد شدید و توجه نکردید، برگردید و تکرار کنید. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» تنها می‌خواهم بنده تو باشم. فقط بنده تو باشم. بنده نفسم، بنده شیطان، بنده ابرقدرت‌ها، بنده هیچ کس دیگر. بندگی تو مرا به تو می‌رساند، اما بندگی غیر تو مرا به بردگی می‌رساند. این مطلبی است که باید خیلی به آن توجه کنیم.

ان شاء الله در جلسه آینده درباره «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که مفاهیم زیادی دارد، بیشتر صحبت می‌کنیم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.